



ویژه نامه شب دوم محرم ۱۳۹۸
سال اول، شماره دوم

گازنامه مذهبی بیات الزمرا اس

فقط قیام برای فقط خدا

یادداشت ویژه

فقط قیام برای فقط خدا

اگر خداوند متعال فقط یک نصیحت را بخواهد از زبان پیامبرش به مردم برساند این است که به صورت جمعی یا فردی برای خدا قیام کنند. روش انبیاء برای سیردادن بشریت به سوی الله، کار فردی نیست؛ ساختن جامعه‌ای است که الگوی بشریت شود و شوق آنان را برای تبعیت از راه حق، دوچندان کند. گام نخست برای حرکت به سوی جامعه الگو، «قیام جمعی» و «استقامت جمعی» مردم است؛ یعنی صرفاً این که یک رهبر معصوم یا یک سری مسؤلان درجه یک در رأس جامعه باشند، کافی نیست؛ بلکه این رستاخیز اجتماعی و اراده جمعی مؤمنین است

مستقیم، به چپ یا راست انحراف پیدا می‌کنند. محبت طلا و نقره، محبت پول، محبت شهوات جنسی، محبت مقام و این‌ها، چیزهایی است که هر کدام، یک کمندی بر گردن دل انسان می‌اندازند و آن را به سمت خودش می‌کشاند. مؤمنین را در بین این دو مغناطیس، در خط مستقیم نگه داشتن و هدایت کردن، به گمان زیاد، این، آن کاری است که پیغمبر را پیر کرد»

مشکل ما این است که دین را خیلی فردی برایمان تبیین کرده‌اند. این است که نیاز به امام را حس نمی‌کنیم و لازم می‌آید بگوییم به ولایت معنوی او محتاجیم بلکه راضی شویم! در حالی که اگر به شما گفته شود در بازی فوتبال باید روی هم رفته سه گل بزنید، اولین سوالی که می‌پرسید این است که مربی و تیم ما چگونه است.

که باعث پیشرفت می‌شود. اصلاً سنت الهی این است که تا شخصیت جمعی مردم، خودش نخواهد، خدا هم کاری برایشان نمی‌کند، چه رسد به ولی خدا.

مصیبت اولیای خدا این است که باید آن قدر زحمت بکشند تا در کنار این که خودشان استقامت می‌کنند، یارانشان - که فاصله‌ی ایمانی زیادی با ایشان دارند- نیز اهل استقامت شوند. خدا به پیامبرش گفت که باید کاری کنی که همراهیانت نیز در کنار تو اهل استقامت در راه اقامه دین خدا شوند. فرمان حق این بود: فاستقم کما امرت و من تاب معک ...

«انسان‌هایی که از یک طرف در معرض هجوم بلاها و مشکلات زندگی هستند - دشمنان، توطئه‌گران، بدخواهان و قدرتهای مسلط- و از طرف دیگر، مورد تهاجم هواهای نفسانی خودشان هستند- خواهشهای نفسانی و دل بی‌طاقت انسان که از زروزیور دنیا مجذوب می‌شود و به سمت آن‌ها کشیده می‌شود- از این صراط

ادامه در صفحه ۲

مه‌دویت | ۴

ظهور بدون ظهور نشانه‌ها!

حب الحسین | ۳

احوال دلت چطور است؟

کتابخوانی | ۲

برای حسین گرد آمده‌ایم

این شماره را تقدیم می‌کنیم به شهید مدافع حریم انقلاب اسلامی، قاری برجسته قرآن کریم، بسیجی جهادگر، خادم الشهدا؛

شهید حاج حمیدرضا اسداللهی

این بزرگ‌مرد، اقدامات و فعالیت‌های گسترده‌ای را در عرصه‌های تربیتی و فرهنگی در کشورهای چون پاکستان، عراق و لبنان سامان‌دهی و مدیریت کرده بود

خادمی از خادمان حسینی، که جان در راه دفاع از حریم آل‌الله داد و سرانجام در حلب سوریه بر اثر اصابت ترکش به مقام رفیع شهادت

رسید





برای حسین گردآمده ایم

بازخوانی کتاب حماسه حسینی اثر شهید مطهری - بخش ۱ از ۴

قیام خمینی

امام خمینی ریشه‌ی همه‌ی نابسامانی‌های ملت مسلمان ایران و نیز جهان اسلام را در «ترک قیام‌الله» یافت و در اولین سند مبارزاتی خود پس از سقوط پهلوی اول چنین نوشت:

«قیام‌الله است که موسی کلیم را با یک عصا به فرعونیان چیره کرد و تمام تخت و تاج آنها را به باد فنا داد و نیز او را به میقات محبوب رساند... خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده... قیام برای نفس است که بیش از ده میلیون جمعیت شیعه را به طوری از هم متفرق و جدا کرده که طعمه‌ی مشت‌ی شهوت‌پرست پشت میز نشین شدند.

او معتقد بود برای رقم زدن تغییر، کافی است خود مردم اراده کنند. در صحیفه امام می‌خوانیم:

بزرگترین کاری که از ما ساخته است بیدار کردن و متوجه ساختن مردم است. آن وقت خواهید دید که دارای چه نیروی عظیمی خواهیم بود که زوال ناپذیر است و توپ و تانک هم حریف آن نمی‌شود.

«خدای تبارک و تعالی تغییر نمی‌دهد، مگر اینکه ما خودمان تغییر بدهیم خودمان را... آن کسی که یک پاسبان وقتی می‌آمد توی بازارش می‌گفت بندید می‌بستند، بیرق بزنید می‌زدند، هیچ برای خودشان قائل نبودند که یک چون و چرایی بکنند، ریختند توی خیابانها و گفتند که «هرگ بر این شاه!» این تحول روحی بود. این تحول «ما بَأْتِسُكُم» [بود].

صیانت از «قیام‌الله» پس از انقلاب حضرت امام با محبوبیت مطلق خود بین مردم، به راحتی می‌توانست شاکله‌ی نظام را مطابق میل خودش ببندد، مانند رهبران همه‌ی انقلاب‌های بزرگ دنیا؛ اما ایشان چنین کاری نکرد؛ بلکه با برگزاری ۵ انتخابات در ظرف یک سال، از صفر تا صد تأسیس نظام را به انتخاب مردم گذاشت؛ ابتدا در یک حرکت بی‌سابقه در انقلاب‌های دنیا، «صل مدل حکومتی» را با رأی مردم تعیین کرد، سپس «نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی» را با رأی خود مردم انتخاب کرد. آنگاه «اصول قانون اساسی» را به رأی مردم گذاشت و در دو انتخابات بعدی، تعیین رئیس جمهور و نمایندگان مجلس را به مردم سپرد.

برخی کهنه کاران سیاسی - مانند نخست‌وزیر دولت موقت - به بهانه‌ی «تداخل‌های کاری» با نهادهایی که پس از انقلاب، به صورت «آتش‌به‌اختیار» و به همت خود جوانان تشکیل شده بود، مخالفت می‌کردند، اما امام به ایشان رسمیت داد. اصلاً این اعتماد امام به مردم بود که باعث شد خود مردم نیز به ظرفیت‌های لایزال خویش آگاه شوند و آن را به صحنه بیاورند. از کمیته انقلاب گرفته تا جهاد سازندگی و بسیج.

کشت و تمام شد، ولی بعد فهمید که مرده‌ی حسین (ع) از زنده اش مزاحم تراست.

اشک قهرمانانه

من نمی‌گویم آن صفحه‌ی تاریک کربلا را نباید دید، بلکه باید آن را دید و خواند، اما همیشه باید مخلوط با حماسه باشد. این مصیبت، نباید فراموش بشود و باید اشک مردم را همیشه بگیرد، اما در رثای یک قهرمان. یعنی اول باید قهرمان بودنش برای شما مشخص بشود و بعد در رثای قهرمان بگیرید، و گرنه رثای یک آدم نقله‌شده‌ی مظلوم که معنی ندارد. در رثای قهرمان باید گریست تا پرتویی از روحش در روحمان پیدا بشود و نسبت به حق غیرت پیدا کنیم و بفهمیم که عزت‌نفس و شرف و انسانیت و کرامت یعنی چه. اگر ما صفحه‌ی نورانی تاریخ حسینی را خواندیم، آن وقت از جنبه‌ی رثائی‌اش می‌توانیم استفاده کنیم و گرنه بیهوده است.

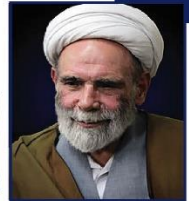
حسین بن علی (ع)، یک روح بزرگ و مقدس است. اساساً روح که بزرگ شد، تن به‌زحمت می‌افتد، و روح که کوچک شد تن آسایش می‌یابد. روح کوچک تن به هر ذلت و بدبختی می‌دهد، برای اینکه می‌خواهد در خانه‌اش آسایش و خواب راحت داشته باشد. اما روح بزرگ به تن نان جو می‌خوراند، بعد هم بلندش می‌کند، می‌گوید شب‌زنده‌داری کن. روح وقتی بزرگ شد، خواه‌ناخواه باید در روز عاشورا سیصد زخم به بدنش وارد شود. آن تنی که زیر سم اسب‌ها لگدمال می‌شود، جریمه‌ی یک روحیه‌ی بزرگ را می‌دهد، جریمه‌ی روح شهید را می‌دهد.

خدمت بیشتر به بشر

شاید خیال کنید مخترعین و مکتشفین بیشترین خدمت را به بشریت کرده‌اند. اما این گونه نیست. هیچ‌کس به اندازه‌ی شهدا به بشریت خدمت نکرده است؛ چون آن‌ها هستند که راه را برای دیگران باز می‌کنند و برای بشر آزادی را به هدیه می‌آورند. آن‌ها هستند که برای بشر محیط عدالت به وجود می‌آورند، که دانشمند به کار دانش خود مشغول باشد، مخترع با خیال راحت به کار اختراع خودش مشغول باشد، تاجر تجارت کند، محصل درس بخواند و هرکسی کار خودش را انجام بدهد. ما و شما که اینجا نشستیم، مدیون قطرات خون و حماسه‌های آن‌ها هستیم.

کلام نور

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتِي
ای جان اطمینان یافته! خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد و در میان بندگان من در بهشت من داخل شو
! ای نفس مطمئنه و ای قلب آرامش یافته، بخوان! ای سرخونین بر نیزه رفته، بخوان
بخوان آیات نورانی قرآن را، که این آیات نه از حنجره‌ی تو که از حنجره‌ی قرآن برمی‌خیزد. کتاب آسمانی
فریاد می‌زند که هان! این حسین (ع) است که به سوی پروردگارش خوانده می‌شود که برگرد؛ بازگشتی با
رضایت؛ رضایت دوطرفه‌ی بنده از خدایش و خدا از بنده‌اش. چه رضایت‌بخشی دلنشینی
او را ندا می‌دهند که در صف بندگان درآی! که این صف نه جایگاه هرکسی است. ادامه در صفحه بعد



احوال دلت چطور است؟

نگاهی به مباحث کتاب رسائل بندگی | دفتر دل



علی شهبازی
برق ۹۷

آزاده

پرده اول: در راه کوفه اول محرم

حسین (ع) فرمود: مادرت به عزایت بنشیند، چه می خواهی؟ حر گفت: اگر دیگری از عرب این کلمه را با من گفته بود، مثل این حالت نام مادرش را می بردم. هر که باشد، ولی نام مادر تو نمی توان برد، مگر به بهترین وجه... حسین (ع) فرمود: چه می خواهی؟ حر گفت: تو را نزد این زیاد برم. فرمود: به خدا قسم با تو نیایم. گفت: به خدا قسم تو را رها نکنم...

پرده دوم: گر بلا عاشورا

مهاجر ابن اوس گفت: «چه اندیشه داری؟ می خواهی بر وی حمله کنی؟» حر جواب نداد و اندام او را لرزه گرفته بود. مهاجر با او گفت: «در کار تو سخت حیرانم. به خدا سوگوند که تو را این گونه ندیدم و اگر مرا از دلیرترین اهل کوفه می پرسیدند، از تو در نمی گذشتم.» حر گفت: «والله، خود را میان دوزخ و بهشت متحیر می بینم و بر بهشت چیزی نمی گزینم، هر چند مرا پاره پاره کنند و بسوزانند.» آنگاه اسب برانگیخت، دست بر سر نهاده می گفت: «بار خدایا، به سوی تو بازگشتم توبه ی من بپذیر که هول و رعب در دل دوستان تو و فرزندان رسول تو افکندم.»

به حسین پیوست و با او گفت: «فدای تو شوم یابن رسول الله. منم! که راه بازگشتن بر تو بستم و همراه تو شدم و در این جای بر تو تنگ گرفتم و نمی پنداشتم این مردم پیش نهاد تو را نپذیرند و کار را بدین جا کشانند و به خدا سوگوند که اگر دانستمی چنین شود که اکنون می بینم، هرگز راه را بر تو نگرفتمی. اینک پشیمانم و به خدا از کار خویش توبه کنم. آیا تو برای من توبه ای بینی؟» حسین گفت: «آری خدا توبه ی تو را بپذیرد. فرود آی»

پرده آخر عبرت

چه می شود حری که راه کوفه را بر امام می بندد و امام را از بازگشت به مدینه منع می کند، به جایی می رسد که اباعبدالله (ع) در لحظه ی شهادتش می فرماید: «تو حری حر؛ آزادمردی در دنیا و آخرت چنان که نامیدندت.»

حر احترام خاصی برای خاندان پیامبر (ص) و خصوصاً حضرت زهرا (س) قائل است. چنان که وقتی امام حسین (ع) به او می گوید: «مادرت شاید رمز رستگاری حر در همین ادبش به مادر سادات (س) نهفته باشد. ای کاش ما هم حر امام زمانمان باشیم.»

آقا به جان مادرت، آن مادر غم پرور
ما را مرانی از درت یابن الحسن، یابن الحسن

که از طریق دل دری باز شود به سوی مولا؛ بنابراین انسان باید اول از همه قلب را بشناسد و بعد بعد به سراغ اموری برود که روی قلب اثر می گذارد. حال برای این که قلب را بهتر بشناسیم باید ابعاد وجودی انسان را بررسی کنیم.

نفس غیر مادی محتاج ماده

اولین بعد نفس است، نفس ذاتا مجرد است، یعنی هستی و وجودش نیازی به ماده ندارد ولی برای تحقق اعمالش احتیاج به ماده دارد؛ که در اینجا این ماده اعضا و جوارح ما می باشد. اما وقتی همین نفس از این عالم مادی جدا می شود و به برزخ می رود یک قالب لطیف پیدا می کند که از آن با عنوان «قالب مثالی» یاد می شود، یعنی دیگر هیچ نیازی به ماده ندارد. بعد از این قالب نوبت قالب دیگری است که همانند قالب عنصری یعنی قالب اکنونی ماست، اما به شدت متناسب است با اخلاقیات و اعمالی که انسان در این دنیا برای خود کسب می کند.

عقل مجرد فارغ از ماده

بعد بعدی عقل است، عقل در ذات مانند نفس است، یعنی مجرد است و نیازی به ماده ندارد اما تفاوتی که با نفس دارد در این است که عقل برای تحقق اعمالش احتیاج به ماده ندارد و در این مورد نیز مجرد محسوب می شود.

در باب عقل تعاریف زیادی وجود دارد اما آن تعریفی که در این بحث مد نظر است از یک حدیث برداشت می شود. امام صادق (ع): «عقل همان چیزی است که به واسطه آن خداوند رحمان پرستش می شود و بهشت به وسیله آن به چنگ می آید»

قلب فوق تجرد

اما قلب، یکی دیگر از ابعاد وجودی انسان قلب است. بر عکس دو بعد قبلی این بعد تعریف روشن و مشخصی ندارد اما آنچه که مشخص است، این است که «قلب، لطیفه ای ربانی است» به این معنا که وقتی روح در شهود عالم غیب قرار می گیرد به آن قلب گفته می شود.

عقل چون مجرد است می تواند مجردات را درک کند اما بحث دیگری وجود دارد به نام فوق تجرد که با عقل قابل درک نیست. اگر انسان در مقام قلب قرار بگیرد می تواند فوق تجرد را هم شهود کند...

ادامه دارد ...

این شب ها که حب الحسین (ع) دل ها را صفایی تازه می بخشد، بنا کردیم به مطالعه اثری دل نشین از مرحوم حاج آقا مجتبی تهرانی. این کتاب، شروع یک بحث کاملاً علمی و جامع پیرامون همه ابعاد دل و ارتباط آن با بخش های دیگر جسمی و روحی انسان است. این مباحث با وجود این که علمی است اما به شدت دارای جنبه های عملی و تربیتی می باشد. مطالب این متون اقتباسی است از صحبت های ایشان. بی سخن اضافه، به پای درس استاد می رویم...

همه عبادات برای دل!

در روایات ما آمده است که شگفت انگیزترین ابعاد وجودی انسان قلب است نه عقل او. قلب چیست؟ اقسام و اصناف؟ قلوب چیست؟ سلامت قلب چیست؟ اقبال و ادبار قلب چیست؟ ضایعات قلب چیست؟ طهارت قلب چیست؟ امراض قلبی چیست؟ موت قلب چیست؟ خرابی قلب چیست؟ همه این ها یک بحث علمی و عملی و تربیتی مستقل و در عین حال پیوسته دارد.

تمام عبادات در ارتباط با نوع با اثر گذاری روی ابعاد وجودی مختلف انسان تشریع شده است.

به عنوان مثال روزه کسر شهوت می کند. درست است که شهوت ابعاد و اقسام مختلفی دارد اما وقتی می گوئیم که روزه کسر شهوت می کند همه اقسام آن را پوشش می دهد. روزه حتی نسبت به اعضا و جوارح هم یک برنامه تأدیبی دارد اما این روزه که اینجا از آن صحبت است روزه ای است که به صرف محدود کردن خوردن و آشامیدن نیست و به ابعاد لایه ای آن اشاره دارد.

یک روایت از امیرالمومنین (ع) وجود دارد که بعضی از این ابعاد مختلف روزه را به طور مختصر ذکر می کند.

امیرالمومنین (ع): روزه دل در فکر کردن از گناه بهتر است از روزه شکم در خوردن. (غررالحکم، ص ۶۷)

تمام آثاری که از عبادات روی ابعاد گوناگون انسان به وجود می آید، همه جنبه مقدمی دارد؛ یعنی این ها مقدمه هستند برای یک امر اصلی، که این امر قلب انسان است؛ یعنی روزه وسیله ای است که تأثیری روی قلب انسان گذاشته شود، حال اگر این اثر گذاری کم باشد یعنی این روزه، روزه کاملی نیست.

امام علی (ع): روزه جوارح خوب است، اما روزه زبان افضل از آن است و روزه قلب افضل از همه این هاست.

مقصود از همه عبادات دل است، هدف اصلی این است

کسی به این صف خوانده می شود که گذشته باشد؛ گذشتنی همراه با رضایت و لبخند نه! کار هر کسی نیست که فرزند شیر خوارش در آغوشش جان دهد و باز هم راضی باشد. کار هر کسی نیست که جگر گوشه اش را قطعه قطعه بر خاک ببیند و باز هم راضی باشد. کار هر کسی نیست که از داغ برادر کمر خم کرده باشد و باز هم بایستد و راضی باشد. بندگی کردن چون حسین (ع)، کار هر کسی نیست اما حسین (ع) آموزگاری است که تمام تاریخ را درس بندگی داده. او به جن وانس و ملائک یاد داده که چه طور بندگی کنند

بیا ای سید جوانان اهل بهشت! بیا که بهشت در انتظار قدم های توست. بیا که فاطمه (س)، مادرت، منتظر ایستاده و تا تو وارد بهشت نشوی اذل دخول خویشتن را نمی خواند. بیا تا سروری کنی بر جوانان بهشتی



مهدویت

ظهور بدون ظهور نشانه‌ها!

موجب بخشیده شدن او می شود. و یکی از مظاهر یأس، یأس درباره فرج است. اگر انسانی ظهور حضرت را نزدیک بداند قطعاً احساساتش به حضرت و اعمال و رفتارش متفاوت خواهد شد. اما از آنجا که شیطان خود مظهر ناامیدی است و ظهور برابر پایان زندگی اوست، تمام تلاش خود را می کند تا فرج را دور جلوه دهد و اینجاست که معلوم می شود چرا انتظار فرج، افضل اعمال است، چرا که در انتظار، امید و توقع و مقابله با یأس است

در احادیث هست که «خداوند بر اساس ظن بنده اش عمل می کند» پس اگر همه امید داشته باشیم که فرج این هفته رخ می دهد، واقع خواهد شد لازم نیست عالم گلستان شود و همه ی تبه کاران از تباهی دور شوند تا ظهور رخ دهد بلکه امام تنها ۳۱۳ نفر یار واقعی می خواهند

سوال دیگر این است که اگر مردم را امیدوار کردیم که آقا این هفته می آیند ولی واقع نشد، آیا مردم بی دین نمی شوند؟

در کتاب غیبت نعمانی از امام باقر (ع) روایت شده است: «خداوند امر آخرین امام را در یک شب درست می کند» و روایات بسیار دیگری نیز با همین مضامین آمده است. یعنی ممکن است ظهور بی مقدمه و بدون علائم روایت شده نیز رخ دهد

سوالی که در این جا مطرح می شود این است که علت اصرار بر اینکه ظهور می تواند بی مقدمه، بدون علائم و در یک شب رخ دهد، چیست؟

یکی از پاسخ ها این است که این اتفاق، راه ها را برای سوءظن به خدا و ناامیدی از رحمت او که از بدترین گناهان است، می بندد و حسن ظن به خداوند تا جایی اهمیت دارد که طبق روایات تنها عملی که حتی در صحرائ محشر هم می تواند مؤثر باشد امید به رحمت خداست؛ طبق روایات در محشر بنده ای را به سوی جهنم می برند در حالی که او به عقب نگاه می کند و همچنان به بخشش خداوند امید دارد و همین امیدش

لطفاً با خانواده وارد شوید!

در زندگی خانوادگی او مؤثر است.

پرداختن به موضوع خانواده و سبک زندگی در دستور کار همه، به ویژه هیئت های مذهبی است؛ چرا که پروژه دین خدا را یک خانواده به عهده گرفت و این یعنی خانواده آنقدر مهم و کارآمد است که ابزار رسیدن دین به مردم باشد. هیئت هرچه خانوادگی تر، نزد حضرت زهرا (س) محبوب تر.

این موضوع مهم، کم توجه شده ایم!

کسی که در هیئت گوش جان به روایت رابطه بی نظیر امام حسین (علیه السلام) با فرزندان خود می سپارد، اگر سعی در الگوگیری از اهل بیت (علیهم السلام) داشته باشد، قطعاً رابطه بهتری با فرزندان خود خواهد داشت. یا به همین ترتیب، شنیدن روایت های شنیدنی رابطه علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و بقیه ائمه (علیهم السلام)

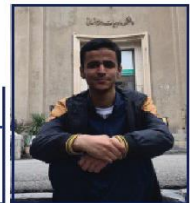
این روزها با افزایش آمار طلاق و سخت شدن شرایط ازدواج و فرزندآوری کم، نقش پررنگ خانواده به حاشیه رانده شده است. جمله ای که بارها شنیده ایم ولی چرا دردمان نمی آید؟!

اغلب ما بچه هیئتی ها، بودنمان در چنین فضایی را مدیون ریشه فرهنگی-مذهبی خانواده مان هستیم و نعمت اصالت خانوادگی، ما را چندین قدم در زندگی جلو انداخته است؛ ولی عجیب است که ما نسبت به

یادداشت

مقاومت اندیشه ماست

شکل گیری تدریجی محور مقاومت در جهان امروز



مهندس شیعی ۹۷
امیر شایان

خیمینی نامید، به دنیا معرفی کردند. مقاومتی که بر خلاف آموزه های غرب که میزان توانایی آن بر اساس تجهیزات و تسلیحات تعریف می شود، بر اساس تربیت نسل ها و تکیه بر نیروی معنوی افراد بود.

در سال ۲۰۰۲، وقتی جورج دبلیو بوش رییس جمهور وقت آمریکا پشت تریبون رفت و ایران و عراق - که آن روزها سازی با هم نداشتند - را در کنار کره شمالی در محور شرارت قرار داد، دوره ای را نمی دید که یک کشور از بین این سه عقایدش که به نظر او حمایت از تروریسم بود، ولی در اصل ایستادگی در برابر اقدامات آمریکا در غرب آسیا بود را به کشور های منطقه صادر کند. امروز دکنترین مقاومت امام خیمینی (ره) که

هنگامی که در دی ماه سال ۶۵۳۱، شاه مخلوع از ایران فرار کرد، شاید کمتر کسی در شرق یا غرب فکر می کرد که تا کمتر از یک ماه دیگر انقلاب مردم ایران به رهبری آیت الله خیمینی به ثمر بنشیند. از این روز از همان روزهای اول پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنی ها برای نابودی جنبش مردم ایران آغاز شد. از کودتا و تلاش برای ترور سران انقلاب گرفته تا تحمیل جنگ هشت ساله به وسیله صدام حسین به ایران. اما اتفاق تعجب برانگیز تر آن موقعی رخ داد که جوانان ایرانی، خرمشهر را پس از ۸۷۵ روز اشغال توسط بعثی ها آن هم با دست خالی آزاد کردند و دکنترین تازهای از مقاومت را که به نوعی می توان آن را دکنترین مقاومت امام

برگرفته از آموزه های عاشورا و بال سرخ شیعه است را می توان به وضوح در مقاومت مردم پا برهنه یمن در برابر تهاجم سنگین و تا دندان مسلح سعودی ها و یا در جنگ های ۲۲ روزه و ۳۳ روزه که تاریخ هنوز از واژگون شدن تانک های مرکاواای اسرائیل انگشت بر دهان مانده است، دید.

تکثیر این شیوه مقاومت در کشورهای اسلامی، منجر به انسجام تمامی آزادی خواهان و حق طلبان منطقه در برابر استبداد و ظلم جهانی شده است که از آن به عنوان محور مقاومت یاد می شود. مقاومتی که هم ردیف نهضت عاشورا و «هیئات من الذله» امام حسین (ع) قرار دارد.

سردبیر: امیرحسین خان محمدی

مدیر مسئول: میلاد خادمی

صاحب امتیاز: هیأت الزهرا (س)

همکاران این شماره: مرضیه محمدی، هدی بهمنی

صفحه آرایی: محمدحسین دبیرزاده

ویراستاری: فاطمه ناصرنجبر، رسول اقبالیان

